

دهمین سال انقلاب فرهنگی پروتاریائی

توقان

ارگان سازمان دانشجویی توکان

۱۰۷
دوره سوم

باز هم دزد سوک جوانان شهید

کشتار زمین پرستان در ایران همچنان ادامه دارد. علی رغم اعتراضاتی که در سراسر جهان نسبت به این کشتار صورت میگردد شاه بن بر او به کشتار خود ادامه میدهد. این دیوانه زنجیری که افکار مردم کشور خود را به هیچ میگرد برای اعتراضات جهانیان نیز هیچگونه زرق قائل نیست و همواره دامنه کشتار را توسعه می بخشد.

شاه و سازمان امنیت دیگر به دستگیری و محاکمه زمین پرستان نمی پردازند. آنها را غنچه های نازخانه ها یا در خیابانها با گلوله شهید میکنند و بدین طریق امر محاکمه و زندانی و اقدام را که ممکن است برای آنها در محافل بین المللی در سوهائی ایجاد کند از ذهن خود بزدارند.

کشتار جوانان زمین پرستان اکنون بطور فزاینده روزانه در آمد است و قاتلین سازمان امنیت در آن شگفتا شده اند که چنانچه در تمام رفته ها به شکست متضخ میگردد. در جنایات گوناگون فقط از جمله جانان برود است. او دست جانان سازمان امنیت را بر کشتار مردم باز گذاشته. اکنون قاتلین بین سازمان امنیت به قاتلین حرفه ای بدل شده اند که مردم بیگانه را در کوچه و خیابان میکشد و از مجازات مصون می ماندند.

شاه نمی بیند و نمیتواند ببیند که آنچه توده مردم را بمبارزه بر می انگیزد در زمین رژیم بوسیده او خواهد بود. است و تازمانی که رژیم شاه بر قرار است مبارزه متوقف نخواهد شد و کشتار زمین پرستان به مبارزه انقلابی پایان نمیدهد. از کودتای ۲۸ مرداد به اینطرف هزاران نفر به فرمان شاه در خیابانها، میدانهای اقدام، در زندانها با دست تیرها می انتظامی او از پای در آمده اند. در ده ها هزار نفر زندانیان رژیم تحت شکنجه های وحشیانه بسر میبرند اما همواره بر سریت و دامنه مبارزه افزوده شده است. تاریخ بشر از زمان پیدایش طبقات تاریخ مبارزه آنها است و این تاریخ با دوره محمد رضا شاه پایان نمی پذیرد. شاه مانند هر خود گامه دیگری این در تاریخ را نمی شناسد اما تاریخ او را نیز نماند دیگر در زیر چرخهای خود له خواهد کرد.

از انقلاب کبیر فرهنگی پروتاریائی ده سال میگذرد. اکنون با گذشت زمان و با توجه به انحطاط و درگونی عظیم نظام اجتناب شوری و کشورهای ریزین نیست ضرورت آن نمایان تر میگردد.

ده سال پیش وقتی انقلاب کبیر فرهنگی پروتاریائی تحت رهبری شخص رفیق مائوسه درون آغاز گردید زمین پرستان ها در راهی آنها اتحاد شوروی سیل دشنام و افترا را بسوی جمهوری نو دمای چین و حزب کمونیست چین سرازیر کردند. انقلاب فرهنگی پروتاریائی در واقع ناقوس مرگ آنها را مینواخت. برخی افکار با حسن نیت نیز از درک صحیح این انقلاب ناتوان ماندند و اهمیت عظیم آن را دریافتند چون انقلاب فرهنگی در تاریخ مارکسیسم - لنینیسم پدیدهای تازه و نو ظهور و نتیجه تئوریک تجارب جنبش کمونیستی جهانی و ساختمان سوسیالیسم در اتحاد شوروی بود. وانگهی در جریان انقلاب فرهنگی اینجا و آنجا در کنار جریان نیرومند انقلاب، نظایر ناسالی پدید آمد، مطبوعات غرب نیز آنها را بزرگ کردند و افکار افراط با حسن نیت را مشوب ساختند. اما انقلابی که صدها میلیون انسان را در بر میگردد، انسانهایی که میخواهند نظام جامعه کهنه را خراب کنند و بجای آن پدیده های نو نشانند مگر بدون حاشیه های فرقی در کار خن اصلی انقلاب ممکن است؟ مگر انقلاب مجلس مشرفاتی کاملاً تدارک دیدهای است که در آن هیچکس دست از پا خطا نکند، آنهم انقلابی که صدها میلیون انسان در آن شرکت میورند؟ آنچه که در انقلاب فرهنگی پروتاریائی جنبه اساسی دارد، آنچه که مانند خط قرمز در سراسر این انقلاب کشیده شده و از آن پس همچنان دوام دارد، تئوری نوینی است که برای جلوگیری از بروز زمین پرستی، برای حفظ و استحکام یکتاری پروتاریا، برای ادامه ساختمان سوسیالیسم و پیشروی بسوی کمونیسم پدید آمده است. تئوری انقلاب فرهنگی تکامل مارکسیسم - لنینیسم است، سهم گرانبهای است که بر کجینه مارکسیسم - لنینیسم افزوده شده است و تاریخ این تئوری بزرگ، این تکامل مارکسیسم را بنام رفیق مائوسه درون و حزب کمونیست چین ثبت کرده است.

اهمیت انقلاب فرهنگی در کجا است؟ هدف آن چیست؟ ضرورت آن از کجا بر میخیزد؟

مبارزه طبقاتی پروتاریا با بورژوازی در نظام سرمایه داری به این نتیجه می انجامد که پروتاریا با توسل به قهر انقلابی بورژوازی را از سبزه قدرت دولتی پائین میکشد و خود قدرت سیاسی را بدست میگیرد. دولت بورژوازی را که برای تحقق اهداف او مناسب نیست درهم میکوبد و دولت پروتاریائی خود را برپا میکند. بدین ترتیب قدرت سیاسی از دست بورژوازی بدست پروتاریا می افتد. بورژوازی دستگافی را که با آن مبارزه پروتاریا را دیگر زخمشکنان از سرگوب میگرداند دست میدهد و اکنون توت پروتاریا است که مقاومت بورژوازی را که اطمینانچیزی بر زمینست درهم شکند و هرگونه گوشش افرا برای بازگشت به نظام اجتماعی کهنه عظیم گذارد.

پروتاریا نه تنها قدرت سیاسی را از گ بورژوازی برین میکند بلکه قدرت اقتصادی و مالی را نیز از او منتزاع میکند بدین معنی که تمام وسائل تولید را که در مالکیت خصوصی بورژوازی است به مالکیت عده خلق در اختیار دهد. امکانات مالی او را از او بگیرد و در اختیار دولت قرار میدهد.

بورژوازی بدینسان، قدرت حاکم سیاسی و اقتصادی را از دست میدهد ولی دست از مبارزه بغاظ بازگردانیدن بهشتی که از آن محروم شده بر نمیدارد. لذا پس از انقلاب پروتاریائی طبقات و مبارزه طبقاتی به اشکال جدیدی همچنان تا مدت زمان طولانی و تا آستانه جامعه کمونیستی ادامه مییابد. از اینجهت

از مجله "آلمانی امروز"

تدارکات سرسام آور دو ابر قدرت امپریالیستی برای جنگ

تالیله در سال ۱۹۶۳ بودجه نظامی شوروی تقریباً ۵۰ میلیارد دلار بود. سال گذشته بودجه امپریالیستهای شوروی بودجه نظامی معادل ۱۱۷ میلیارد دلار را به امر تدارک بسیاری جنگ اختصاص دادند. بنابراین، هم این امر قدرت و هم آن ابر قدرت هر دو، به تدارکات سرسام آوری برای جنگهای جدید بجلو میازند که در آن آمریکا و شوروی بیک میزان مضربند.

بودجه های جدید نظامی دو ابر قدرت بوضوح از ماهیت تجاوزکارانه بسیار خطرناک آنها خبر میدهد. این امر به روشنی نشان میدهد که طریقه ادعاهای ریزین پرستیهای این دو ابر قدرت امپریالیستی هرگز نمیتواند ماهیت خود را تغییر دهند. تسلیحات و جنگ همراهان همیشگی امپریالیسم یا سوسیال بد امپریالیسم هستند. این یک شرط وجودی است آنهاست که دست از جهلت شیوه اقتصادی و سیاست تجاوزکارانه آنان ناشی میگردد. بنابراین، تمام جری و جنگالی دو ابر قدرت در باره همهایی که آنها با اصطلاح به طرف "صلح" و "خلع سلاح" یا "امنیت" بر میدارند، هیچ چیز دیگری جز یک عوامفریبی بشمارانند نیست. آنها میخواهند طالب ناری در باره "خلع سلاح و امنیت" بگویند، اتفاقاً، سوسیال امپریالیستها شوروی اخیراً برای سی امین اجلاس مجمع عمومی سازمان ملل "طرح جدید" دیگری اختراع کرده اند که نامش "معاهده بین المللی برای منع تمام و کمال آزمایشهای اتمی" میباشد. اما در واقع آنها دارند خلاف آنچه میکنند عمل میکنند. اسلحه های اتمی و غیر اتمی خوشتر را کامل خر میکنند، بودجه های نظامی خوشتر را افزایش میدهند و الی آخر.

مخبر سال که میگذرد، بودجه های نظامی دو ابر قدرت بیشتر افزایش مییابد. باین ترتیب، در حالیکه در سالهای قبل بودجه جنگ آمریکا تقریباً ۸۰ میلیارد دلار بود، درون سه سال اخیر به تنهایی ۱۶۰ میلیارد بودجه افزایش معادل ۲۷ میلیارد دلار داشته است. اخیراً اعلام شد که مجلس نمایندگان کنگره آمریکا برای سال ۱۹۷۶-۷۷ بودجه نظامی معادل ۱۱۲ میلیارد دلار، یعنی رقمی که در تاریخ آمریکا بی سابقه بوده است، را تصویب میسازد. پنتاگون به هم خود این رقم را بر است که این رقم به ۱۲۰ میلیارد دلار برسد. همین افزونگی در مورد امپریالیستهای شوروی صادق است.

تنبهایی که در باره قدرت بد آن می اندیشند، بسط سلطه خود بر کشورهای و خلقهای آزاد جهان و ادامه تدارک برای جنگ است. باین خاطر است که آنها از دوتا از حیثی ترین بلوکهای تجار بزرگ ناتو و ورشو که ستون های سلطه امپریالیستی شان در اروپا، و اسلحه تجاوز و جنگ در دست داشتن و سکونت است، تنگ داری و حفاظت میکنند. باین ترتیب، آنها توجه خاصی به تقویت این بلوکها معطوف می دارند و بطور خستگی ناپذیر به مسلح ساختن و آماده کردن آنها مشغولند.

سازمان آزادی فلسطین پیروز خواهد شد

در میان کلای سردرگم حوادث بیقرنج لبنان که جنگ داخلی سرشار است یک نکته بوضوح چشم میخورد و آن اینکسازمان آزادی فلسطین آماج حمله و هجوم همه نیروهای امپریالیستی و ارتجاعی است و آماج حمله آشکارا اینان آن نیروهای است که یک سازمان آزادی فلسطین نیرومند را برای حل مسئله خاورمیانه به صلحت تعیین نمیدانند. دلیل اینهم روشن است. سازمان آزادی فلسطین محوری است که بر سر آن حوادثی که در خاورمیانه میگذرد، سازمان آزادی فلسطین علی رغم فشارهای کمونیستیم و غیرستیم و از آنجمله از جانب سوسیال امپریالیسم شوروی بر می وارد میاید. همچنان در روی هدف نهایی خود یعنی آزادی کما سلب سبزمین فلسطین از راه مبارزه مسلح و ایجاد یک حکومت دموکراتیک با فشاری میگردد. در این زمینه به هیچ جزئی و مصالحه غیرامپریالیستی تن در نمیدهد.

همه دشمنان خلق فلسطین که سازمان آزادی فلسطین را مانعی بر سر راه حل "معتدل" خاورمیانه میدانند و می بینند سالها است در تلاشند که این سازمان را از سر راه خود بردارند یا اافل آنرا آنچنان تضعیف کنند که سبیک جزیره اکره اسرائیل تن در دهد. دولت اسرائیل را بر سمیت بشناسد و به مبارزه انقلابی خود پایان دهد. کشتار و جنایات، بلکه چنین در سپتامبر ۱۹۷۲ بهمن صورت گرفت. اما سازمان آزادی فلسطین تنها از پای در نیامد بلکه در صحنه نظامی و بورژوازی به کامیابی های بزرگی نائل آمد. جنگ داخلی لبنان که اکنون بیش از یکسال است ادامه دارد و وسیله تازمانی بدست آمد تا سازمان آزادی فلسطین را تضعیف کند و وحدت افراط را نیز برهم زند.

بهاد آوریم که بد نهال تشکیل دولت اسرائیل و سیاست توسعه طلبی و تبعیض نژادی آن، خلق فلسطین مجبور شد سبزمین باستانی خود را رها کند و صورت پناهندگان فلسطینی در کشورهای عربی و از آنجمله در لبنان، اقامت گیرند. اکنون در لبنان فلسطین در جنوب لبنان و در نواحی جنوبی بیروت اردوگاههایی دارند که بارها از طرف هواپیماهای اسرائیل بمباران شده است. در جنگ داخلی لبنان از کسب نیروهای ارتجاعی و فاشیستی (فالانزیست ها) فرار کرده اند و از سوی دیگر خلق لبنان همراه با سازمان آزادی فلسطین در آغاز جنگ داخلی که بسود سازمان آزادی فلسطین و دیگر نیروهای مترقی می چربید و با مرور زمان احتمال اینکامیابی آنهاست خواست های خود را بنیروهای مخالف بقولاند و از این طریق به بحران لبنان، خانه دهند افزایشی یافت.

امام اخله ارتش سوریه بسود نیروهای ارتجاعی و فاشیستی وطنه

پیروز باد پیکار علیه رژیم شاه!

بقیه در صفحه ۲

بقیه در صفحه ۲

بقیه در صفحه ۲

د هین سال . . . بقیه از صفحه ۱

پس از تصرف قدرت سیاسی پرولتاریا باید ضمن ساختمان سوسیالیسم توجه خود را به حفظ و استحکام دولت پرولتاریائی معطوف دارد .

بورژوازی که اهرمهای قدرت سیاسی و اقتصادی از گش بدر رفته ، در مبارزه خود بر فرهنگ و ایدئولوژی کهنه و فرسوده تکیه میزند . او میکوشد از راه مسالمت آمیز و در پشت پرده ، با دست عوامل خود ، کسانی که در نیمه راه انقلاب میمانند ، افکار را برای بازگشت نظام کهنه آماده گرداند . بورژوازی به این نکته کاملاً واقف دارد که اگر میتوان با اعمال قهر قدرت سیاسی و اقتصادی را به آسانی در گریز ساخت ، افکار و عقاید کهنه ، عادات و رسوم کهنه و ایدئولوژی کهنه را که طی قرنهای جامعه طبقاتی در ذهن توده ها جایگزین شده بسوی نیتوان ریشه کن کرد .

ایدئولوژی ، عادات و رسوم و افکار و عقاید کهنه پس از انقلاب در جامعه سوسیالیستی باقی میمانند و بورژوازی در تلاش خود برای احیا سرمایه داری بد آنها متوسل میشود .

از اینجا است که پرولتاریا باید در مبارزه ایدئولوژیک با بورژوازی نیز بیروزرگردد ، فرهنگ و افکار بورژوازی را از بیخ و بن براندازد . بدین توده ها را از آنها پاک گرداند و جای آنها فرهنگ و شیوه تفکر پرولتاریائی بنشاند .

"پرولتاریا باید در زمینه روانه در تمام بخشهای فرهنگی ، دیکتا توری کامل خود را بر بورژوازی اعمال کند . بورژوازی در صحنه ایدئولوژی نیز از طریق انقلاب میسر است و انقلاب کار توده ها است و لذا انقلاب فرهنگی پرولتاریائی نیز مانند هر انقلاب دیگری کار توده ها است و با دست توده ها به تحقق در میآید . در جریان این انقلاب است که توده ها پرورش مییابند و خود را بتدریج از نیروی فرهنگ و ایدئولوژی بورژوازی و عادات و رسوم کهنه و طبقاتی می بخشند . چنانچه پرولتاریا به اینکار جدا همت نکارد ، چنانکه در اتحاد شوروی چنین شد ، با از بورژوازی بر ایدئولوژی و شیوه تفکر بورژوازی توان ماند . بدین شک دیری نبرد که بورژوازی از نوع قدرت خود را برقرار خواهد کرد و جامعه سوسیالیستی بسوی انحطاط و زوال خواهد رفت چنانکه در شوروی چنین شد . انقلاب فرهنگی پرولتاریائی ضمن حفظ و تحکیم بورژوازی و از همین جهت است که این انقلاب اختصاص به چین ندارد ، عام است ، جهانی است . هدف آن اینست که رژیم نوینم را بصیغه توده ها بنشاند و آنها را بسوی مبارزه با آن برانگیزد . در ذهن توده های زحمتکش ایدئولوژی ، فرهنگ و عادات و رسوم پرولتاریائی را جایگزین کند . این وظیفه عظیمی است که برای اولین بار در تاریخ بشری اجراء در میآید .

چنانکه در مرحله انتقالی از سرمایه داری به کمونیسم دانه ایدئولوژی و فرهنگ بورژوازی و عادات و رسوم کهنه محدود نگردد و در راه برانداختن آنها کوشش نشود بتدریج آن افراد جامعه و بخصوص آن کارمندان که در حزب و دولت مقامات بالا را اشغال میکنند و از مزایای برخوردار میشوند به رژیم نوینم و فرسوده میگردند ، از ادماه انقلاب جلوگیری میکنند و جامعه را به قهرا میبرند . این افراد ممکن است مانند خر و شیف کارگر باشند ولی از آنجائی که جامعه سوسیالیستی بر زمینه جامعه سرمایه داری بنا میشود و تمام افکار بورژوازی نظیر سود جویی ، مقام پرستی ، ثروت مند شدن ، زندگی پر زنجیر داشتن و غیره هنوز از جامعه رخت بر نیسته است همین افکار میتواند حتی کارگرانی را نیز برده ایدئولوژیسم بکشد و در صورتیکه اینها بتوانند مقامات رهبری را در حزب و دولت اشغال کنند آنگاه جامعه سوسیالیستی راه عقب باز خواهند گردانند .

به این سخنان لنین توجه کنید . . .

"این حقیقی است . بورژوازی نه تنها از کارمندان شوروی مزاده میشود . . . (هشتمین کنگره حزب)

"در میان مهندسان شوروی ، در میان مغلین شوروی در میان کارگران ستاز در کارخانه های شوروی ، کارگرانی که تخصص کامل دارند و در بهترین مقامات قرار گرفته اند ، ما بطور مداوم احیاء و اطعمانه های آن خصوصیات منفی را که مختص یا رمانتارسم بورژوازی است مشاهده میکنیم " (بیماری کودکی چپ روی در کمونیسم)

یا اینکه :

"هرگز دیوار چین کارگر را از جامعه کهنه جدا نمیکرد . بسیاری از روحیات سنتی جامعه سرمایه داری در کارگر باقی مانده است . کارگران ، جامعه نوینی میسازند بدون آنکه خود به انسانهای نوزاد آلودگی های دنیای کهنه تبدیل شده باشند برعکس هنوز تا زمان در این اجزای فرسوده اند . پاک شدن از این آلودگی ها ، فعلا در عالم اندیشه میسر است . پنداری صیقا واهی اگر فکر کنیم که اینکار را میتوان فوراً عملی

بقیه در صفحه ۳

سازمان آزادی فلسطین . . . بقیه از صفحه ۱

سازمان آزادی فلسطین و خلق لبنان وضع را بسوی نیروهای ارتجاعی تغییر داد و هم اکنون اردوگاههای فدا انیان در غرضی بیروت به دست این نیروها افتاده است .

بد اخله سوریه در جنگ داخلی لبنان ظاهراً باین علت است که بیرونی خلق لبنان و سازمان آزادی فلسطین بر نیروهای گویا پنهانی به دست اسرائیل تکیه از تعلقه لبنان به عملیات جنگی دست زد و لبنان را اشغال کند و در نتیجه از طریق لبنان را بسوی سوریه دمشق برای ارتش اسرائیل باز نشود . بعلاوه حافظ اسد رئیس جمهوری سوریه میخواهد سازمان آزادی فلسطین را مانند سازمان فلسطینی "الصافه" بجزیر برجم خود و تحت نظارت خود در آورند تا این سازمان را از هرگونه اف امی که بر سلاح و صرفه خود نمیداند باز بماند علی ای حال دشمنان آزادی فلسطین از جنگی که سوریه علیه سازمان مقاومت فلسطین بر راه انداخته سخت عصبانند . بر این بد اخله هم آمریکا و هم اتحاد شوروی صحنه گذاردند . اسرائیل نیز به کشتار فدا انیان فلسطین با دیده زحمت میگرد .

"در واشنگتن رهبران آمریکا کوشش میکنند از اهمیت بد اخله سوریه در لبنان بکاهند . سخنگوی وزارت امور خارجه آمریکا گفت ما پیوسته با اسرائیل و سوریه در تماس نزدیکی و کوشش میکنیم به دولت های ذینفع در بر طرفی کردن بحران کمک کنیم ."

"در حقیقت اسحق رابین نخست وزیر اسرائیل خاطر نشان ساخت که سازمان شوروی در لبنان سرگرم کشتار چریکهای سازمان آزادی بخش فلسطین اند . . . بنابراین دلیلی برای دخالت اسرائیل وجود ندارد " و بنا بر موسسه "پولیتیک پریس" اسرائیل از این راستی است که بد اخله نیروهای سوریه متوجه سازمان آزادی فلسطین و نیروهای چپ گرای لبنان است .

گامسکین ، نخست وزیر شوروی همزمان با بد اخله سوریه در دمشق بود و بطور غیر مستقیم ضمن بد اخله نظامی سوریه در لبنان صحنه گذاشت و در صیاقی که به افتخار او ترتیب داده شد اعلام کرد که شوروی همچنان به تقویت ظرفیت دفاعی سوریه ادامه خواهد داد . خبرگزاری تاس مقارن به همین زمان اطلاع داد که "واحد های کوچکی از نیروهای مسلح سوریه به لبنان وارد شد تا برای برقراری نظم و استقرار آتش بس میان گروههای متخاصم سهمیم باشند ."

اما اکنون که صدای اعتراض همه علیه بد اخله نظامی سوریه بلند شده است ابره قدرت ها از سوریه فاصله میگیرند . آمریکا اعلام میکند که بد اخله سوریه بدون اطلاع وی صورت گرفته است و شوروی صریحاً بد اخله سوریه را مورد انتقاد قرار میدهد . کشتی های جنگی آمریکا و شوروی در مدیترانه در نزدیکی سواحل لبنان در حرکت اند . سوسیال امپریالیسم شوروی به بهانه حوادث لبنان بر تعداد کشتی های خود در مدیترانه افزوده است و ظناً همه را بد اخله در جنگ لبنان تهدید میکند چون لبنان گویا همزی های شوروی نزد بیکر از مرزهای امرایالیسم بگراست و بنا به گفته "تاس مسئله" لبنان دیگر مسئله داخلی نیست مسئلهای بین المللی است و بنا بر این سوسیال امپریالیسم شوروی بخود حق میدهد که دماغ خود را در آن وارد کند و از آن نسبی بهره برد .

خلق فلسطین و سازمان آزادی بخش آن بار دیگر در برابر وضع حاد و دشواری قرار گرفته است ، ولی اینبار نیز بهین از این بوته آزمایش بیروز بیرون خواهد آمد .

تدارکات . . . بقیه از صفحه ۱

دوا بر قدرت امپریالیست موازات تقویت قدرت نظامی خود و نیز تقویت دو بلوک تجاویز که بمنظور تدارک برای جنگ به تربیت سربازان خود بطور جداگانه و با در چهارچوب

معاهده های نظامی نیز توجه میکنند تا آنها را برای قوتها جدید آماده و تکمیل سازند . مشخصاً تاستان سال گذشته

بوی بارت فضای آزادی را بطرز بی سابقهای فرا گرفت . تمرینات نظامی ناتو و پیمان و شرق در این دوره همچنین در مدیترانه

یا در اقیانوسها ، بسیار متداول در تمام زمینه ها و در مقیاس وسیع بوده است . مانورهای پیچیده ناتو در مدیترانه کم و بیش

پایان یافته بود که مانورهای دیگری در اروپا آغاز شد و سه موازات آنها ، بلوک شرقی تجاویز که تمرینات متعدد در

قلمرو تحت سلطه شوروی بدست زد . وجود مشترک تمام این تمرینات ، عملیات نشستن ، جابجایی نیروها در خشکی ، یادر هوا ، از یک نقطه به نقطه دیگر و عملیات جت های نشاندهند

خصلت تجاویز کارانه آنها است . این مانورها ، نظیر سایر مانورهای یار دیگر نشان میدهند که آنها در خدمت اهداف

مفاهی آنگونه که سازماندهندگان آنها نام میکنند نیست ، بلکه تدارکاتی است برای تجاویزات و جنگهای جدید بر علیه خلقها

موقعیت کنونی جهان نشان میدهد که دوا بر قدرت تدارکات جنگی خویش را افزایش میدهند . کفرانس های

یا جنبی جانبی را که در ون ، ژنو ، هلسینکی یا هر جای دیگر برگزار میکنند ، مستقیماً در خدمت اهداف پند آنهاست

زیرا آنها قصد دارند که خلقها را بفریبند و آنها را بخواب صیق فروریند . باین ترتیب و خلقهایی که بیشتر و بیشتر به

ماهیت تجاویز کارانه خطرناک پیروز گردند و متحدین آنها بی بزند ، روز بروز در سبهای جدیدی میگردند . آنها هشاری

خود را افزایش میدهند و تدارکات جنگی دوا بر قدرت و بلوکهای تجاویز کارشان را ، که اگر آزاد گذاشته شوند ، خود را آماده

می سازند تا دنیا را به کام یک هل عام جدید بکشاند محکوم می سازند .

واقعیت رنه . . . بقیه از صفحه ۱ شده ، نان به انداز کافی نیست ، گوشت به اندازهای کم است که دولت تصمیم گرفته همگام

بکریز مردم از صرف گوشت خود داری بوزند . قیمت های میوه ، سبزی ، سیب زمینی و غیره قوس صعودی می بینایند . در جلگه

مغازه ها صفهای طولانی چشم میخورند . مردم شهرهای شوروی اکنون به بستن صف در جلوی مغازه ها خو گرفته اند

مغازه های دولتی معمولاً یا از اجناس خالی است و یا فروش اجناس محدود است چون باید به خریداران دیگر نیز برسد .

در عرض بازار سیاه رواج کامل دارد . هر آنچه را که در مغازه بطور علنی نمیتوان یافت در عرضها پرداخت پول بیشتر میتوان

"بواسطی" بدست آورد .

اما اگر وضع توده های مردم بر این منوال است مغازهها مخصوصاً اقشار بورژوازی نوحاسته شوروی ، مغازه هایی که فقط

این اقشار بد آنها دسترسی دارند " برویمان " است و همه چیز با قیمت های مناسب و ارزان بفروش میرسد .

زحمتکشان شوروی کم کم علیه این وضع که نتیجه سیاست تسلیماتی می بند و بار شوروی است علیه فشار و اختیاتی

که گوی آنها را می فشارد صدای اعتراض خود را بلند کرده اند اینجا و آنجا علیه مغازه های خالی و علیه گرانی ، علیه بازار

سیاه نظاً هرگز صورت میگیرد ، کارگران به انقباض دست میزنند ناراضی به ارتش نیز سرایت کرده است . همین دوماه پیش

ملوانان رزنوا " استار آزادی " در درهای پالتیک به شورش برخاستند که صیان ملوانان رزنوا و پونیوین سوریه تزارها را به یاد

میآورد . شورش ملوانان رزنوا " استار آزادی " مانند شورش ملوانان " پونیوین " با قسوت و بی رحمی تمام سرکوب شد . اینها

فقط اخبار جسته گریخته ای است که طی رخصتاسور شدید از درون شوروی به بیرون در میزند .

احیا سرمایه داری نمیتواند تشدید مبارزه طبقاتی را بجمراه نداشته باشد و بهین مبارزه طبقاتی کارگر و خلق قهرمان شوروی علیه بورژوازی نوحاسته این کشور با گذشت زمان حدت بیشتری خواهد یافت ، دانه آن توسعه خواهد پذیرفت و دیوار سانسور را بیشتر درهم خواهد شکست . این امری اجتناب ناپذیر است .

نشریات جدید توفان

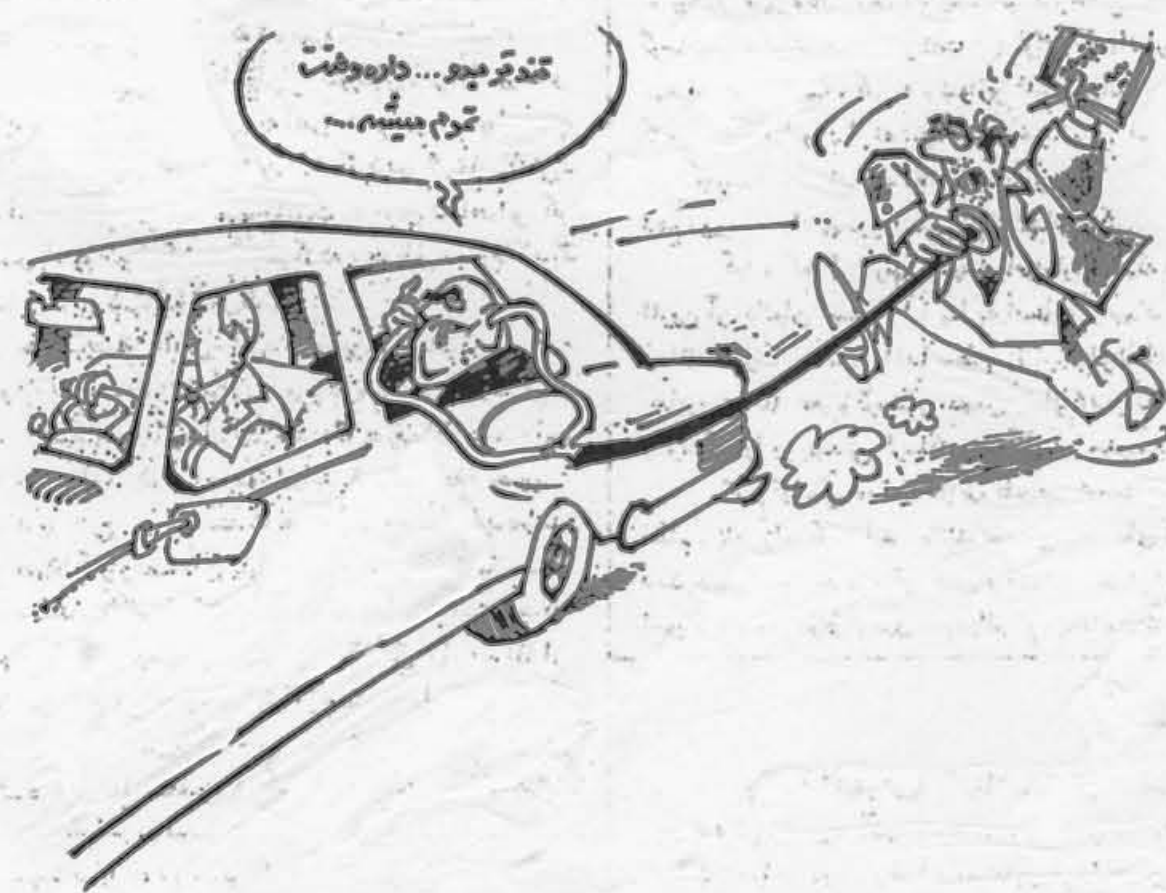
- نشریه شماره ۶ * نامه به رفقا * چاپ دوم
- نشریه شماره ۲۴ * نمونه منقسی * چاپ دوم
- نشریه شماره ۴۶ * زوال شخصیت اثر ماکسیم گورکی
- نشریه شماره ۴۷ * اهداف طبقه کارگر در جنگ اثر دبیتروف

گرسنگی و محرومیت ... بقیه از صفحه ۴

پایان بخشیده اند . سرمایه داران هرگز تولید نمیکنند برای آنکه شکم گرسنگان را سیر کنند ، تولید میکنند برای آنکه سود بدست آورند و بزرگ سرمایه خود بیفزایند . در دنیای " تمدن " سرمایه داران ، در آمریکا و کشورهای اروپا و غیره هر سال مقادیر فراوانی محصولات کشاورزی و دامی را میسوزانند ، بزرگ خاک میکنند یا بدريا میپزند برای آنکه از پائین آمدن قیمت آنها جلوگیری کنند . با مقادیری از محصولات کشاورزی و دامی که هر سال بادست آنها بهدتر میرود ده ها میلیون گرسنه را میتوان در عرض سال سیر نگاه داشت .

طرقی که امپریالیست ها برای بااصلاح پایان دادن به فقر و گرسنگی انتخاب میکنند در واقع برای رفع گرسنگی و محرومیت نیست برای حفظ و تشدید آنست . بیسوده نیست که طی رژیم " ککهای " آنها فاصله میان محرومین و گرسنگان از یکسو و مضعوران جهان که ثروت آنها بشمارش در نیامد از سوی دیگر زیادتر میشود . نجات از گرسنگی در نابودی امپریالیسم و نظام اجتماعی طبقاتی است . برای برانداختن فقر و گرسنگی ، برای برانداختن هرگونه محرومیت راهی جز پایان دادن به سلطه امپریالیسم و جدا شدن از دنیای سرمایه داری و افتادن در شاهراه سوسیالیسم نیست .

خلقهای انقلابی جهان هرگز برای رهایی از گرسنگی و محرومیت دست بسوی امپریالیسم و یواز نوع " سوسیالیستی " آن دراز نمیکنند . چون با تجربه خود دریافته اند که از این درپوزه راه نجاتی برای آنها نیست . خلقهای انقلابی جهان به پیشوایی طبقه کارگر و باتوسل برقریرانقلابی نظام جابر طبقاتی را بر خواهند انداخت و همراه با آن به همه محرومیت های خود پایان خواهند بخشید .



پزشکان سرشتان تهران در ساعات بخصوصی از دور بینندگان را می بینند ...



این دو عکس هر دو از سال ۱۹۴۴ است در یکسویی از آنها نام داران آمریکا گاوها را کشته و بزرگ خاک میکنند تا بهای گوشت تنزل پیدا نکند و در دیگری دختر خود مالی را نشان میدهد که با نگاهی غم انگیز به این می بیند که آیا فردا همین دختر را برای نیمه سیر کردن شکم گرسنه خود خواهد داشت ؟

در آستانه « تمدن بزرگ »

علت کمبایی پیاز

خواتنها برای من نوشته اند که عدوی از زعمای امروز کمبایی گوشت را محول بالا رفتن درآمد طبقه اجلاس می دانند ، زیرا اگر مردم پولدار باشند گوشت خنجره کمبود آن محسوس نخواهد بود . این خواتنه پرسیده اند که چگونه به عقب بالا ، علت کمبایی پیاز چیست ؟ شاید گفتن قبایض باشد که وقتی درآمد مردم بالا می رود ، آن پیاز هم پیش می خورد تا آنهاشان پیاز شود و بتواند از پائین درآمد پندارندگان پدای گوشتی تهیه کند و بخورد . امپوارم چی سوزانی برای این خواتنه کتلهن باقی نماند باشد .

د همین ... بقیه از صفحه ۴ ساخت

" ما سوسیالیسم را بنا میکنیم در حالی که بر زمینه جامعه سرمایه داری ایستاده ایم ، در حالی که طبقه همه آن ضعیفها و کمبودهایی مبارزه میکنیم که دامن زحمتکاران را نیز گرفته است و پرولتاریا را به سقوط سوق میدهد " (گزارشی در زمین اتحادیه های کارگری)

و بالاخره این يك :

" اپورتونیزم دشمن عدل و نامت . اپورتونیزم در افکار فوقانی جنبش کارگری ، سوسیالیسم پرولتاریائی نیست ، سوسیالیسم بوز واتی است . در مثل باثبات رسیده است که در زمین جنبش کارگری فعالیتی که به این جریان اپورتونیزمی تعلق دارند بهترین مدافع پرولتاریائی اند . بهتر از خود پرولتاریا (زمین کنگره انترناسیونال کمونیست) .

بهتر از خود پرولتاریا برای آنکه نقاب مارکسیسم - لنینیسم و سوسیالیسم پرچهره دارند و تمام اعمال خود را در جهت جلوگیری از ادامه انقلاب بازگشت به نظام کهنه با عبارات سوسیالیستی میآریند و توده های کارگر و دیگر زحمتکاران را می فریبند ، بهتر از خود پرولتاریا چون بقل استاین : " درها را از درین به آسانترین وجه میتوان تصرف کرد " .

لنین امکان انحطاط جامعه سوسیالیستی را در جهت بازگشت به سرمایه داری با دست اپورتونیزم داخلی بد رستی از پیش میدید منتها انقلاب سوسیالیستی شوروی نخستین تجربه پرولتاریا برای ساختن سوسیالیسم بود . این تجربه با شکست روبرو شد خورشید ، بزرق و افق و انصارشان از درین ناز سوسیالیسم را تصرف کردند . ولی از این تجربه منفی تئوری انقلاب فرهنگستی پرولتاریائی برخاست تا انقلاب سیاسی و اقتصادی را تکمیل کند و راه را بر بازگشت سرمایه داری به بندد .

انقلاب چین از همان روز پهنویز صحنه مبارزه انحطاطی گردید . خط مشی سرمایه داری که میخواست انقلاب را در مرحله پرولتاریائی موقوفاتک آن میگرداند و خط مشی مارکسیستی - لنینیستی که میخواست آنرا بسوی انقلاب سوسیالیستی به پیش ببرد ، بهر از آنکه مشی سرمایه داری توفیق نیافت تا بندگان آن کوشیدند همان راهی را بر پیش گیرند که شوروی در پی آن روان بود . این نمایندگان راه سرمایه داری ، مقامات رهبری رادیکال و دولت در دست داشتند و در برابر مشی انقلابی سدی ایجاد کرده بودند .

رفیق مائوتسه درین موقع ندا داد : نمایندگان پرولتاریائی که در حزب ، در دولت و در ارتش و در زمینه های مختلف فرهنگ راه یافته اند مشی روبرو نیستند انقلابی اند ، در لحظه که شرایط آماده باشد قدرت سیاسی را بهتر از خود خواهند آورد و بنگا توری پرولتاریا راه دیگران توری پرولتاریائی میدان خواهند ساخت .

رفیق مائوتسه درین خطر را برونش دید و توده ها را به مقابله با آن برانگیخت و آنها را در جریان مبارزه رهبری کرد . این انقلاب هم اکنون ده سال است با شدتی کم یا بیش ادامه دارد و با موفقیت مراحل را پشت سر گذارده است .

ایدئولوژی پرولتاریائی ریشه داز تر از آنست که بتوان با يك ضربه ، با يك انقلاب آنرا از بیخ و بن بر کند . برانداختن ایدئولوژی و عادات و رسوم پرولتاریائی کاری بس طولانی است و بهین به انقلابات فرهنگی دیگری نیازمند است ولی در هر حال تئوری انقلاب فرهنگستی پرولتاریائی ، نقش ایدئولوژی پرولتاریائی ، نقش اشکال مختلف ایدئولوژی نظیر علم ، آموزش ، هنر ، ادبیات و غیره را در حفظ و تحکیم دولت پرولتری و ادامه انقلاب برونش نشان میدهند .

عنوان مکاتبات
X.DR.GIOVANNA GRONDA
87030 ARCAVACATA (CS) ITALY

حساب بانکی
X.DR.GIOVANNA GRONDA
CONTO 17549/11
CREDITO ITALIANO AGENZIA 18
MILANO/ITALY

تفرقه نیروهای انقلابی بسود امپریالیسم و ارتجاع است !

گرسنگی و محرومیت میوه تلخ امپریالیسم است

غزیت فقر و گرسنگی که اکثریت سکه کره ارزش را در جنگال خود میفشارد، طلب بندی چشمگیری که از کموگرسنگی، بیسوادی، فقدان مسکن و بهداشت برای اکثریت نوع بشری آفریند و از نسوی دیگر ثروت بیخساین را که حاصل خون و عرق همین اکثریت است در دست اقلیتی متمرکز میگرداند، امپریالیسم و مرتجعین جهان را گناه و بیگناه سخت در وحشت فرو میبرد. وحشت آنها از این نیست که در جهان ده هزار نفر هر روز از گرسنگی جان می سپارند، وحشت آنها از این نیست که در جهان صد هایلین نفر در "فقر مطلق" بسر میبرند؛ وحشت آنها از این است که میاد این اکثریت گرسنه، محروم و بیخانمان روزی سر به عصیان بردارد و آتش جهان و ثروت همه امپریالیست ها و مرتجعان اندازد.

هرسال برخی از موسسات بزرگ بین المللی و از آنجمله بانک جهانی، از فانی انتشار میدهند برای آنکه این واقعیت زشت و ننگین جامعه کنونی بشر را انعکاس دهند و "راهچاره" ای برای آن بگویند. آنها برای فریب جهانیان به عواطف بشر و ستانه تظاهر میکنند؛ صحبت از "کک" بیشتر به خلقهای بیگناه را میماند، ولی نتیجه "هفته" آنها که پارای نیز از حدود حزبی فراتر نمیروند اینست که هفت ساله ارقام بانک جهانی باز حاکی از توسعه دامنه گرسنگی و شدت آن، و عسقی تر شدن شکاف میان ثروتمندان جهان از یکسو و گرسنگان از سوی دیگر است.

والد هایم، دبیرکل سازمان ملل متحد ضمن سخنرانی خود در آمریکا با "تاثیر" و "دلجویی" اعتراضی کرد که "شکاف بین کشورهای فقیر و غنی ریه افزایش است در حالی که ۵۰۰ میلیون نفر در آستانه تلف شدن بسر میبرند و روزانه ده هزار نفر از گرسنگی تلف میشوند". او گفت: "دنیایی که ما داریم دنیایی است که در آن اکثر مردم نیازهای فانی خود را حتی غذا، مسکن، بهداشت، فرهنگ و کار به دشواری تأمین میکنند، ما از مردمی سخن میگوئیم که هرگز نتوانند بهبود وضع بخشند. این دنیایی است که در آن فقر و گرسنگی را و ندارد نه تنها فقر خود باقی است بلکه روز بروز شدیدتر میشود". اکثریت چهار میلیارد ساکن در جهان بسر میبرند در حالی که فقط اقلیت این چهار میلیارد نفر از راه بهره بردن است "مسئله برای پایان دادن باین وضع تا بهینچار تک نظم نوین اقتصادی بین المللی پیشنهاد میکنند که گویا حلال تضاد دو قطب جهان است.

آیا سکه کره زمین آنگیانی افزایش یافته که منابع طبیعی و انسانی را برآوردن نیازهای اساسی بشری نیازمند نیازهای افزون آن ناتوان است؟ آیا بنا به ادعای "استاد" دانشگاه تهران که مغز خود را با افکار مرتجعین و عقب مانده ترسین محافل آمریکا آمیخته واقعا سطح زمین ولو بیک تک تکیه قادر نیست از عهد بهره و مسکن سکه جهان برآید؟ سکه ادعای های بیج گناه فقر و گرسنگی جهان را از گردن نظام امپریالیستی بر میدارد و به گردن قوای طبیعت می اندازد و ناگزیر بودن فقر و گرسنگی را بر پیشانی گرسنگان و محرومان مینویسد.

فقر و گرسنگی معلول عوامل طبیعی نیست، نتیجه ناگزیر نظام اجتماعی طبقاتی است. در آن کشورهایی که خود را از زیر این نظام سیاه آزاد کرده اند مانند جمهوری تودای آلبانی و جمهوری تودای چین، فقر و گرسنگی و محرومیتهای دیگر غلبه کنند. خلق های چین و آلبانی پیش از انقلاب در زمره خلقهای محروم و گرسنه بودند اما امروز با جد شدن از دنیای امپریالیسم و پیشروی بسوی سوسیالیسم بهمه محرومیت ها

پیروزی طبقه کارگر در لهستان

طبقه کارگر لهستان بار دیگر نشان داد که حاضر نیست با مشکلات اقتصادی که محصول احیای سرمایه داری و دستول آن پیروزی روزی نیست لهستان و چپاول کشور توسط سوسیال امپریالیسم شوروی است بردوش او گذاشته شود. حزب و دولت لهستان در تاریخ ۲۴ ژوئن تصمیم خود را مبنی بر افزایش قیمت های محصولات مورد نیاز عمومی اعلام داشت، افزایشی که در مجموع بین ۶۰ تا ۷۰ درصد میرسد. طبقه کارگر به مقاومت پرداخت و با اعتصابات و تظاهرات خود دولت و حزب را مجبور کرد که تصمیم خود را ملغی کند.

اعتصاب کارگران از کارگران تراکتورسازی نزدیک ورشو آغاز گردید و سپس به کارگران راه آهن و کارگران اتوبیل سازی و کارگران ذوب آهن سرایت کرد. کارگران کارخانه کشتی سازی که انسک نیز به اعتراض برخاستند. ضمن تظاهراتی که در شهر رادوم صورت گرفت روزی کشته و عدای مجروح گردید. ساختمان حزبی شهر به آتش کشیده شد.

مقاومت طبقه کارگر و توده های مردم موجب گردید که حزب و دولت که مجلس را برای تصویب تصمیم خود دعوت کرده بودند از تشکیل مجلس و افزایش قیمت ها صرف نظر کنند و این گونه وانمود سازند که گویا موضوع افزایش قیمت ها فقط بصورت پیشنهادی مطرح بوده است که بایستی به بحث گذارد میشود.

طبقه کارگر لهستان یکبار در ۱۹۷۰ بناسبت تصمیم حزب و دولت دایره به افزایش قیمت ها به قیام برخاسته بود که در جهان انعکاس وسیعی یافت. بر اثر این قیام گویوگا از دیربازی حزب سقوط کرد و جانشین او قیمت ها را تثبیت نمود.

اکنون پس از قریب شش سال همین حادثه تکرار میشود و بسیار دیگر طبقه کارگر خواست خود را به رهبران "حزب و دولت" می قیولاند در نظام سوسیالیستی، در جایی که طبقه کارگر قدرت را در دست دارد، در جایی که اقتصاد سوسیالیستی بر طبقه نقشه تنظیم میشود قیمت ها اگر پائین نیایند ثابت میمانند.

در نظام سوسیالیستی که بهبود روز افزون زندگی مادی و معنوی طبقه کارگر و دیگر زحمتکشان قانون اساسی آن است، برای کارگران اعتصاب ممنوعی ندارد. دولت لهستان برای آنکه اعتصابات و اعتراضات طبقه کارگر را که ناشی از تضاد طبقاتی مولود احیای سرمایه داری است بخیال خود از نظر جهانیان بپوشاند این بار هم مانند ۱۹۷۰ مسئولیت اعتصابات و تظاهرات را برگردن "اوپاش"، عناصر انگل و لجام گسیخته انداخت و اینگونه وانمود کرد که گویا طبقه کارگر در آنها شرکت نداشته است.

این مردمان که مانند کبک سرخود را زیر برف نگاه میدارند با این توضیح خود واقعیت را محو میکنند فقط به طبقه کارگر دشنام میدهند و آنرا "اوپاش و انگل" میخوانند. در کشورهای روزی سوسیالیستی وضع طبقه کارگر پیوسته رو بهخاست میرود، استثمار طبقه کارگر شدت میگیرد، مبارزه طبقاتی روز بروز حادث تر میشود و این قانون جامعه سرمایه داری است. روزی نیست ها بهتر نیرنگی که توسل شوند ماهیت نظام سرمایه داری خود را نمیتوانند بپوشانند.

واقعیت و نه «افسانه»

ایرانیان خود انجام دهند. استخدام میشدند. بازرگانان پول خوبی دریافت میداشتند و مسئول حمامهای مرمر بعنوان بهداشتی در سایه رزمی نسبت شده بود.

یکی از شهود اظهار میداشت که بعنوان نگهبان استخدام شده و وظیفه صید ماهی، نیز به او محول گردیده بود او میگفت که ۱۷ خدمتکار در این کاخ استخدام شده اند و وظیفه آنها از آنجمله این بود که حمامها را همیشه گرم نگاه دارند تا مباد ایرمولای سرزده به نزد آنها بیاید.

آنچه که روزنامه "لیتراتورناگازتا" را برآشفته کرده این فساد و خوشگذرانی نیست (او چشم و گوشش از این چیزها بیرون است) بلکه بوجدالتی در احکام دادگاه است. به تن از خدمتکاران بخاطر جنایات مرتکبه از آنجمله "زدی" و "پس عقی" به ۱۰ سال محکوم شدند در حالی که ایرانیان و ایرمولای در زمره آنان، محکومیت های سبکی داشتند. ایرمولای خود نظریه انجام سو استفاده در انجام وظیفه به شش سال زندان محکوم گردید.

در نظام بورژوازی جز این هم انتظاری نبود. جنایت و فساد و خوشگذرانی از آن "بالائی ها" است و مکافات آنها مردم ساده میکشند. استعادی ندارد اگر جناب آقای ایرمولای بجای آنکه در زندان بنشیند، از کارکنی خود به کارنان و آب دزتری منتقل گردد. چون نه مکافات بالائی ایرمولای از چنین سو استفاده کلانی بخیروسی بهره نمانده اند و نتیجه بورژوازی، نخواست شوروی، بمثابه طبقه، که همه از قیام بیرون اندر دست از حمایت او بر خواهند داشت ولو به این علت که شاید خود روزی بچنین سرنوشتی گرفتار آیند.

بورژوازی نخواست شوروی با ثروتی که بدست آورده و هر روز بر آن میفزاید، با امتیازاتی کسب شده مسئولان دولتی، جزئی و اقتصادی در اختیار دارد، همه چیز برایش فراهم زیادت، هیچگونه محدودیتی در هیچ زمینهای برای خود احساس نمیکند. اما در عوض توده مردم از فقدان یا کمبود اجناس ضروری و ویژه مواد خوراکی رنج میبرند. علی رغم مفاد سیر هنگفتی که از خارج خریداری

روزنامه "لیتراتورناگازتا" با اعلان محکومیت های سیزده تن و در رأس آنها شخصی بنام ایرمولای بار دیگر از زندگی سراسر تجمل و فساد بورژوازی نخواست شوروی پرده برداشت. این افراد با پول دولت بمبلغ ۸۴۵۰۰۰ دلار کاخ بزرگ مجللی در ساحل رودخانه ولگا برای خود ساخته بودند و در آن همیشه نوشی پرداختند.

بطوری که روزنامه مینویسد "از دو سال قبل مدبران تر است تراکتور چکاماری در این کاخ خوب میخورد، خوب میوشیدند و با زنان زیبا در استانبلی جاشکافای بهم میباشند. آنها بهشتی زینی ساخته بودند و از کلبه مواهب آن تضرع میکردند.

چهلچراغهای دست ساز زیبا از سیف آویزان، زمین با فرشهای گرانبها مفرشی، دیوارها با موزائیک های خاص و پوشش های املا، حمامهای مرمرش و روز گرم نگاه داشتند تا مباد ایراب که کاخ مجللی را ساخته سرزده بخانه آید.

زنان این کاخ همه زیبا، خدمتکاران همه طبع و در بار آن همه نوع مشروب چشم میخورند و ماهی هر روز تازه تازیده از رودخانه ولگا صید میشد. برای امور کاخ "زیباترین میمانند اران و فقط خدمتکاران طبع و وفادار که حاضر بودند هرکاری را برای رضایت خاطر

«شاه برای طوطی هایش همه کار میکند»

"شاه دامزشنگ فرانسیسی دکتر فیلیپ دولوی را با هواپیما به تهران خواسته است تا پنجاه طوطی او را که به بیماری قارچی خطرناکی مبتلا شده اند نجات دهد. طوطی های استخر شقای مخصوص بخود دارند و همه روزها با آب معدنی فرانسیسی "لاپول" آنها را شست و شو میدهند برای آنکه پرها آنها درخشان بمانند."

این خبر که از روزنامه "بیلد" مورخ ۱۹۷۶/۱/۳۰ گرفته شده فقط یک ظم از ترفن های شاه را نشان میدهد. در کشوری که اکثریت عظیم مردم از بهداشت و درمان مطلقا بی بهره اند و دسترس به پزشک و دارو برای آنها نیست، شاه با هواپیما از فرانسه دامزشنگ احضار میکند برای آنکه طوطی های او را درمان کند، در کشوری که اکثریت عظیم مردم آب آشامیدنی ندارند و مجبور با آبهای آلوده و کثیف تشنگی خود را فروشانند شاه طوطی های خود را با آب معدنی فرانسیسی میشوید تا از زمینی و درخشندگی پرها آنها هیچ نگاهد.

اشرف، رئیس کمیسیون حقوق بشر در پاریس در صحابه با نویسنده روزنامه نامز گفت: "ما برای کلبه جعفری بشروقت نداریم (کبهان ۹ خرداد ۱۳۵۵). راست است، کسانی که تمام اوقات خود را با مسکن و طوطیان و با سرگرمی های بی برکت زشت تری میگذرانند، بیاه تمیگه دارند طبیعی است که "برای حقوق بشر وقت ندارند". اما حقوق بشر نیز وقت تراز آنست که این مردمان فرومایه آنرا بسازی بگیرند.

استوار باد وحدت خلق های عرب در برابر امپریالیسم و سوسیالیسم و صهیونیسم!